نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۱۹

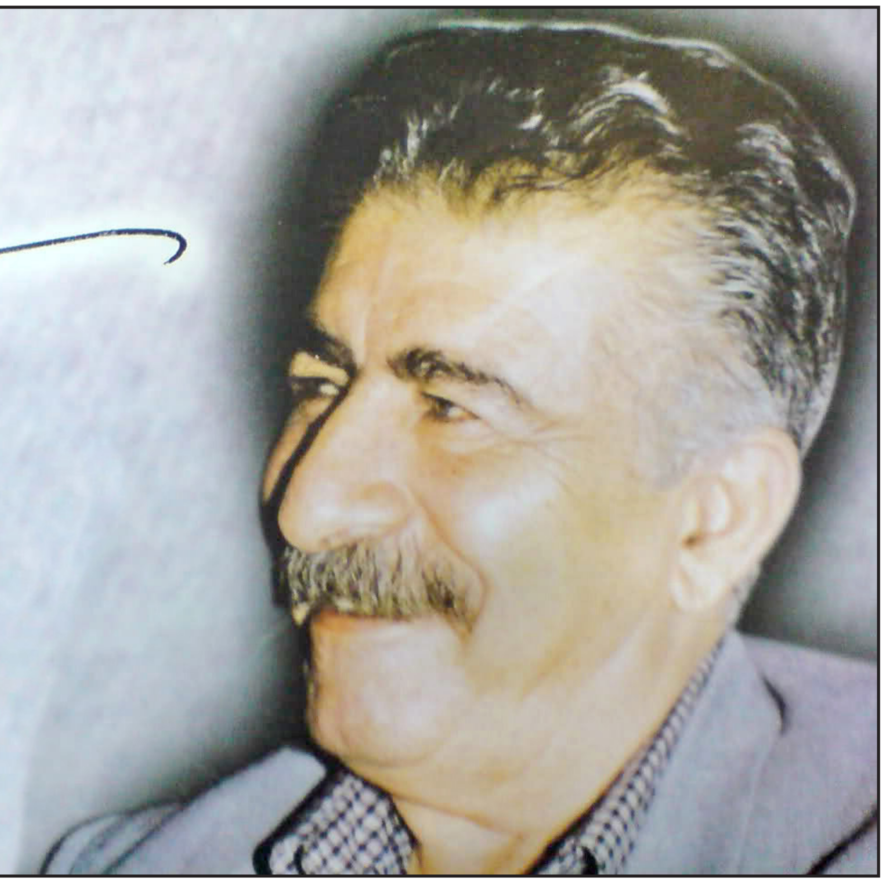
چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ ۸صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)



بیانیه کانون وکلای دادگستری استان بوشهر در حادثه تلخ بانو مهسا امینی دختر ایرانی

بازداشت و مرگ مهسا امینی، پرچم سیاهی در مسیر آزادی و حقوق شهروندی



نکوداشت سالروز تولد منوچهر آتشی

تنوع در زبان و ساختار در اشعار آتشی

حسین پورصفر

تاثیر و جایگاه منوچهر آتشی در فضای ادبی ایران زمین

مرتضی زندپور

منوچهر آتشی؛ جریان شعر ناب آفرید

اسکندراحمدنیا

اعتراض به مزایده خودروهای وارداتی در گمرک بوشهر



جمعی از تجار و بازرگانان در اعتراض به مزایده ۱۰۶۲ خودرو در گمرک بوشهر و...، دست به تجمع زدند و خواستار جلوگیری از اجرای این مزایده شدند.
چند نفر از معترضان در مصاحبه با خبرگزاری فارس اظهار داشتند که این ماشین ها به طور قانونی و از مبادی قانونی وارد گمرکات کشور شده اند و حقوق گمرکی خیلی از این ماشین ها پرداخت شده است، این ماشین ها استاندارد داشته و موارد قانونی ورود آنها رعایت شده است و اگر در زمینه ثبت سفارش تخلفی هم صورت گرفته از سوی وزارت صمت می باشد.

مدیرعامل سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی درباره این مزایده گفت: پرونده موسوم به ثبت سفارش در سال ۱۳۹۶، در سال ۱۳۹۷ در دادگاه انقلاب تشکیل شد. ۱۰۶۲ خودروی خارجی صفر کیلومتر به دلیل مشکلات ثبت سفارش از گمرک ترخیص نشدند و برای جلوگیری از تضییع این خودروها که در شرایط خوبی نگهداری نمی‌شدند اجازه برگزاری مزایده به سازمان اموال تملیکی داده شد.
۶۲ دستگاه لکسوس، ۴۵۹ دستگاه از خانواده هیوندا، ۱۵۴ دستگاه تویوتا، ۴۳ دستگاه پورشه، ۱۸۲ دستگاه کیا، ۱۵۲ دستگاه بی ام و، ۸ دستگاه بنز، یک دستگاه ولوو و یک دستگاه بی نام به مزایده گذاشته خواهد شد./ایسنا

۸۹۴ برنامه در هفته دفاع مقدس در استان بوشهر اجرا می‌شود

فرمانده سپاه امام استان بوشهر از اجرا ۸۹۴ برنامه در هفته دفاع مقدس در استان خبر داد و گفت: در هفته ضمن تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس، اقتدار و توانمندی نیروهای مسلح استان بوشهر به نمایش گذاشته می‌شود.

دانشجوی بوشهری دیپلم افتخار المپیاد علمی پزشکی کشور را کسب کرد

سرپرست المپیاد مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: امیرحسین تفنگچی در مرحله انفرادی چهاردهمین دوره المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی کشور موفق به کسب دیپلم افتخار شد.
امیرحسین تفنگچی در مرحله انفرادی حیطه تفکر علمی در علوم پایه موفق به کسب دیپلم افتخار شد.

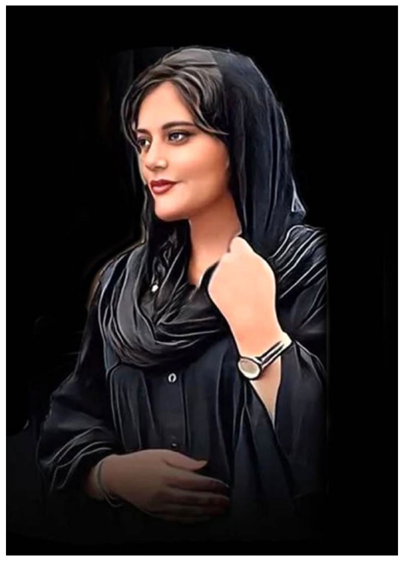
۲۵۰ هزار دانش‌آموز استان بوشهر سال تحصیلی جدید را آغاز می‌کنند

زنگ آغاز سال تحصیلی ۲ مهر همزمان با زنگ مقاومت نواخته می‌شود و ۲۵۰ هزار دانش‌آموز استان بوشهر سال تحصیلی جدید را آغاز می‌کنند که ۲۱۰ هزار دانش‌آموز در مدارس دولتی و مابقی در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند. ۱۰ هزار و ۸۰۰ کلاس درس برای دانش‌آموزان استان بوشهر آماده شده و ۱۸۰۰ مدرسه در استان بوشهر همزمان با آغاز سال تحصیلی پذیرای دانش‌آموزان هستند.

بیانیه کانون وکلای دادگستری استان بوشهر در حادثه تلخ بانو مهسا امینی دختر ایرانی

بازداشت و مرگ مهسا امینی، پرچم سیاهی در مسیر آزادی و حقوق شهروندی

با نام خداوند جان آفرین
حادثه ناگوار بازداشت و فوت دختری از ایران زمین، خانم مهسا امینی، دل آحاد ملت را مجروح و پرچم سیاهی را بر سبیل آزادی و بر تارک حقوق مندرج در قانون اساسی نشاند.
آنچه اکنون شاهد آنیم، نه پرونده یک شخص بلکه موضوع حقوق یک ملت و نقض اصول اولیه احترام به حقوق شهروندی و تکریم حریم انسانیت است، که در لوای کلمه زیبای عفاف، ولی بر مبنای زشتی سلیقه های نانوشته، معیارهای متفاوت و متعارض پرده عدالت را می درانند و آن را به نام شریعت اسلام و مصلحت نظام رقم می زند.



واضح است؛ در این میان برای هیچ قشری از اجتماع، بیشتر از حقوقدانان، پارگی پرده عدالت و نقض مقررات انسانی دردآور و مسئولیت زا نبوده است و براین اساس؛ ما مجموعه کانون وکلای دادگستری استان بوشهر بر خود واجب می دانیم تا به حرمت حریم شخصی شهروندان و به جهت جلوگیری از نقض حقوق اساسی مندرج در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن اظهار همدردی و تسلیت با خانواده زنده یاد خانم مهسا امینی و تمام داغ دیدگان ایران اسلامی با صدای رسا نکات ذیل را اعلام نماییم.
۱- مطابق با اصول وزین و اساسی قانون اساسی، من جمله صراحت اصول فصل سوم آن؛ هر گونه تبعیض و تخدیش حقوق آحاد ملت نفی شده و نه تنها قضاوت بر ظاهر افراد ممنوع، بلکه هرگونه تفتیش عقاید، هتک حیثیت وشکنجه جسمی، روحی و روانی افراد به طور مطلق ممنوع و مستوجب مسئولیت و مجازات است. بر این مبنا؛ ما وکلای دادگستری استان بوشهر ضمن درخواست از مسئولین محترم برای رسیدگی سریع و اجرای قاطع عدالت و پیگیری هر نقض حقی که صورت پذیرفته است، آمادگی خود را برای دفاع از حق قربانی حادثه حاضر و حوادثی که حقوق مردم شریفمان را به مسلخ بی عدالتی بکشد اعلام می داریم.
۲- بدیهی است؛ افرادی که تعمداً یا از سر جهالت باعث تضعیف روابط حسنه ملت و حاکمیت گردند و یا سلیقه بیمار خود را باعث تشنج در روح و روان جامعه قرار دهند، شرعاً و در پیشگاه حضرت حق مسئولیت داشته و در این بین، بر عهده مجریان و نادیان قانون اساسی من جمله دولت و قوه مجریه است تا نقش خود و حاکمیت را در باب آزادیهای مشروع شهروندان اعمال نموده و زین پس بیشتر و بیشتر بر اجرای حق ملت در کشور اهتمام ورزیده و نسبت به آموزش و یا حذف ضابطان بی ضابطِ خودسر، که هیچ معیار و الگوی واحدی را برایِ تشخیص متن و روح قوانین و مقررات شرعی و مدنی نداشته، اقدام عاجل کرده تا زین پس شاهد خود داوری ها و القاء رفتارهای غیر قانونی در ردای قانون و ارعاب مردم با تظاهر به پشت گرمی قدرت حاکمه و مسئولین عالی مرتبه که موجب ایجاد شکاف عمیق در شاکله و هیبت اجتماعی مردم متمدن و شهید داده ایران اسلامی است، نباشیم.
۳- بر عهده و وظیفه قانونگذار و قوه مجریه و تمامی نهادهای حاکمیتی است که دقیقاً نظارت کنند؛ تمامی قوانین موضوعه، مطابق با اصل چهارم قانون اساسی و طبق موازین شرعی و مطابق با حقوق اجتماعی و انسانی افراد جامعه مصوب ومجری گردد و بدین سان لازم است؛ قبل از هرگونه برخورد خودسرانه و خودرأی گرایانه مجریان وضابطان، تمامی قوانین موضوعه در باب حقوق ملت، شفاف، فاقد امکان تفاسیر گوناگون و تضمین کننده حقوق اساسی مردم شریف وشایسته ایران باشد.
در پایان امیداست؛ تمامی مسئولان موظف و محترم در اجرای وظایف قانونی خود، حفظ حرمت و کرامت انسانی را از یاد نبرده و همواره ضمن تلاش برای جلب رضایت و خشنودی خاطر آحاد مردم معتقد و عزیز کشورمان، از هرگونه قانون شکنی و تعرض به حقوق ملت جلوگیری نموده و هر فردی را که با بانی جدایی، اختلاف و تفرقه در صف امت واحده گردد شناسایی و مورد پیگرد قانونی قرار دهند.
کانون وکلای دادگستری استان بوشهر

معرفی کتاب شجریان به عنوان منبع درسی دانشگاه توسط استاد بوشهری



یک استاد گروه ادیان و عرفان، کتاب «هزار گلخانه آواز» محمدرضا شجریان استاد آواز ایران اثر کاظم مطلق و مهدی عابدینی را به عنوان منبع درسی متون عرفانی به زبان فارسی ۲ انتخاب و به دانشجویانش معرفی کرد.
سجاد واعظی منفرد دکترای ادیان و عرفان و حافظ کل قرآن کریم و استاد دانشگاه در این باره گفت: فصل ششم کتاب هزار گلخانه آواز، اشعار نواهای زنده یاد محمدرضا شجریان است که بیشترینه آنها غزلیات و سروده های حافظ، سعدی، باباطاهر، عطار و عراقی، مولانا و ... می باشد. قالب سنتی غزل ۸۰ درصد آوازهای مرحوم استاد شجریان را تشکیل می دهد و سعدی و حافظ به روایت نوارهای استاد، محبوب ترین شاعران مورد توجه استاد بوده اند.
از آنجا که در درس متون عرفانی به زبان فارسی ۲ نیز تمرکز بر آثار سعدی و حافظ داریم، تصمیم گرفتم فصل ششم کتاب(صص ۲۹۱-۴۳۶) را که متن غزلیات سعدی و حافظ و دیگر بزرگان شعر و عرفان ایرانی به همراه معرفی ردیف های آوازهای می باشد را به عنوان منبع درسی انتخاب کنم و بر این باورم که پیوند نوای ملکوتی و عرفانی استاد محمدرضا شجریان با زیبایی و شکوه این سروده های فاخر و ارجمند، یک طعام پاک معنوی و یک شراب روحانی در عصر ماست که هر ایرانی از آن مستفیض خواهد گشت.

آتش‌سوزی هواپیمای تهران- بوشهر در فرودگاه مهرآباد

پرواز ۳۹۱۴ تهران- بوشهر شرکت هواپیمایی آسمان در حالی که مسافران داخل هواپیما بودند، دچار آتش‌سوزی موتور شد و از چرخه پروازی خارج شد. بر اساس اعلام یکی از مسافران تهران- بوشهر هواپیمایی آسمان، این پرواز در ساعت ۵ صبح دوشنبه دچار نقص فنی در زمان استارت موتور شد. ترکیدگی موتور منجر به آتش‌سوزی شد و نهایتاً با حضور نیروهای آتش‌نشانی عملیات حریق در فرودگاه مهرآباد انجام و به هیچ مسافری آسیبی وارد نشده است. پس از انتقال مسافران به ترمینال، این پرواز با یک ساعت تاخیر با هواپیمای جایگزین انجام شد.

۶۰ هزار گذرنامه به مناسبت اربعین در استان بوشهر صادر شد

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: امسال بیش از ۶۰ هزار گذرنامه شامل برگ تردد موقت اربعین در اداره مهاجرت و گذرنامه این فرماندهی صادر شد.

ابلاغ قرارداد ۷۰۰ میلیارد تومانی اجرا طرح های آبرسانی در استان بوشهر

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر گفت: قرارداد اجرای طرح‌های آبرسانی در روستاهای محروم این استان با اعتبار ۷۰۰ میلیارد تومان ابلاغ شد.
به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر، ابوالحسن عالی اعلام کرد: این طرح‌های آبرسانی توسط قرارگاه محرومیت‌زدایی امام حسن مجتبی (ع) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اجرا در می‌آید.

۲۱ مدرسه تخریبی در تنگستان

فرماندار شهرستان تنگستان بابیان اینکه ۲۱ مدرسه تخریبی در سطح شهرستان وجود دارد، گفت: نیاز است توسعه و نوسازی با دقت و اولویت لازم انجام شود. به گزارش ایسنا، احمد لطفی تصریح کرد: از این تعداد ۴ مدرسه تخریبی در دلوار و ۱۷ مدرسه در بخش مرکزی قرار دارند.
فرماندار تنگستان عنوان کرد: اعتبارات خوبی از منبع مسئولیت‌های اجتماعی حوزه صنعت جهت بازسازی این مدارس در نظر گرفته شده است.

آغاز عملیات تعمیرات اساسی پالایشگاه دوم مجتمع گاز پارس جنوبی

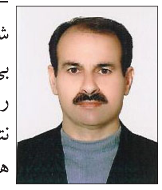
مدیر پالایشگاه دوم پارس جنوبی گفت: عملیات تعمیرات اساسی سال جاری این پالایشگاه به منظور آمادگی ۱۰۰درصدی تولید گاز پایدار در پائیز و زمستان پیش رو با برنامه ریزی برای انجام هزار و ۱۶۲ دستور کار تعمیراتی از امروز آغاز شد.

۳ مورد خودکشی منجر به فوت طی ۱۰ روز در شهرستان دشتستان

به گزارش اتحاد خبر؛ به دنبال خودکشی یک جوان ۱۹ ساله که حدود ۱۰ روز پیش در برازجان بوقوع پیوست، شنیده می شود دختر نوجوان ۱۷ ساله ای نیز روز گذشته در شهر برازجان دست به خودکشی زده و متاسفانه فوت کرده است.
شنیده های اتحاد خبر همچنین حاکی است که سه روز پیش نیز دختر نوجوان دیگری در شهر برازجان دست به خودکشی زده است.
افزایش تعداد خودکشی ها در کشور و از جمله شهر برازجان نگران کننده است و ضرورت دارد مسئولین ذیربط به کمک جامعه شناسان، روان شناسان و روان پزشکان و سایر صاحب نظران تدابیر لازم را برای مقابله با این معضل اجتماعی اتخاذ نمایند.

حال ناخوش روابط خارجه ایران

دکتر عباس حاتمی



– برجام بی محتوا شده و فعلا همان بی محتوا هم به کُما رفته و مذاکرات بی نتیجه بوده، تحریم‌ها همچنان کمر مردم را خم نگه داشته اند ولی جیب کاسبان تحریم پر چرب هست! آنقدر برای احیای برجام تعلل می‌شود تا جمهوریخواهان آمریکا مجلس سنا را در انتخابات آبانماه بدست بگیرند!

– با عربستان مذاکرات عادی سازی روابط نتیجه نداده است!

– با عراق و جمهوری آذربایجان روابط تیره شده است!

مرز ایران با ارمنستان در حال محو شدن هست.

– با اروپا روابط همچنان سرد هست!

– با سازمان‌های بین المللی حقوق بشری روابط تیره هست، گزارش عفو بین الملل و دبیر کل ملل متحد از وضعیت حقوق بشر در ایران به انزوای ایران شدت می بخشد!

– پیمان ابراهیم بین اسرائیل و اعراب در غیاب ایران به تهدید ایران تبدیل شده است!

– پیمان امنیتی جدید در منطقه بین اعراب و اسرائیل و آمریکا در غیاب ایران هست.

– افغانها به ایران سرازیر شده و حتی در نانوائیها صف های طولانی ایجاد کردند و فرصت های شغلی را از جوانان ایرانی گرفتند!

– پاسپورت ایران جزو بی ارزش ترین در جهان هست!

– روابط استراتژیک ایران با روسیه و چین به نفع ایران نبوده و مردم هزینه های آن را پرداخت می کنند!

اعضای پیمان شانگ های رهبران غیر منتخب و دیکتاتورها هستند و عضویت ایران در آن پیمان بی خاصیت، هیچ دستاوردی برای ملت ایران ندارد.

روسیه و چین برای درگیر کردن ایران در بحران اوکراین و تایوان ایران را به عضویت پیمان شانگهای در آوردند تا روابط ایران با غرب همچنان تیره بماند!

– با فرصت جنگ اوکراین ایران نتوانست روابط خارجه اش را بهبود بخشد!

– جذب سرمایه گذار خارجی تقریبا در حد صفر و جذب توریست خارجی ناچیز هست!

– افغانستان و ترکیه حقابه ایران را نمی د هند.

– عمران خان نخست وزیر متحد ایران در پاکستان به اتهام فساد و ناکارآمدی از مقام خود برکنار شد.

– نفت ارزان قیمت روسی، فروش نفت ایران را کم مشتری کرده است.

– آژانس بین المللی انرژی اتمی با اکثریت قاطع ایران را محکوم کرد و ائتلاف بین المللی علیه ایران شکل گرفته است.

– وزیر خارجه و رئیس جمهور حتی یک سفر کاری اروپایی نداشتند!

– برخی کشورهای پیشرفته سفر اتباع خود به ایران را ممنوع کردند.

پس وزارت‌خارجه چکار می کند؟ تیم سیاست خارجه را تغییر دهید؟

گشت ارشاد؛ غلط غلط غلط ، مانع فاجعه بعدی شوید



عصرایران؛ رضا غبیشاوی:
فاجعه جدید گشت ارشاد، ماجرای مهسا امینی است. دختر ۲۲ ساله کردستانی که در سفر به تهران، توسط گشت ارشاد بازداشت و در همین زمان، دچار سکته شده و فوت می کند.

اول – گشت ارشاد، غلط است. چون نه قانونی است؛ نه عقلی است؛ نه شرعی است؛ نه منطقی و نه اخلاقی. گشت ارشاد را تعطیل کنید و مانع از فاجعه های بعدی شوید.

قانونی نیست چون به لحاظ قانون نقص دارد و براساس متن قانونی اجرا نمی شود. قانون آن را نه مجلس تصویب کرده و نه بازداشت و توقیف افراد را می توان بدون حکم دادگاه، انجام داد و عملی کرد. نیروی انتظامی گفته بازداشت نمی کند بلکه افراد را برای «کلاس توجیهی و آموزشی و ... هدایت» می کند. باید گفت توقیف و انتقال اجباری و به زور افراد غیرقانونی است مگر به حکم قانون. با تغییر کلمات هم نمی توان توجیه کرد. آن چیزی که در قانون آمده این است که برای بی حجابی و نه شل حجابی یا کم حجابی، جریمه ۵۰ هزار تومانی وضع شده است که آن را هم قاضی دادگاه باید صادر کند و نه پلیس.

شرعی نیست چون حجاب در شریعت اسلام به معنی پوشاندن موی سر و بدن زن است و به نوع و جنس و شکل و رنگ لباس اشاره ای نشده است. مثلا اگر خانمی چادر بپوشد و موی سرش پیدا باشد حجاب به طور کامل و صددرصدی رعایت نشده اما اگر خانمی پیراهن و شلوار و روسری یا کلاه بپوشد حجاب رعایت شده است. در حالی که دومی را گشت ارشاد بازداشت می کند و به اولی کاری ندارد.

در نتیجه می توان گفت گشت ارشاد، نه به دنبال حجاب شرعی بلکه به دنبال شکل و شمایل تخیلی از لباس پوشیدن است که مشخص نیست چیست و اگر هم مشخص باشد جامعه و مردم آن را قبول ندارند.

دوم – مسوول گشت ارشاد و بازداشت دختران و زنان مردم به بهانه های حجاب و کم حجابی کیست؟ چرا مسوول، صریح و شفاف مسوولیت برعهده نمی گیرد؟ ویژگی دولت و حکومت، به مسوولیت پذیری است.

سوم – در ایران دستگاه های رسمی و غیررسمی بر تقدیس غیرت تاکید می کنند و این توجه به غیرت چگونه با بازداشت دختران و زنان مردم در خیابان قابل جمع است؟

چهارم – کدام روحانی مسلمان و مرجع تقلیدی در ایران و جهان چنین رفتار و حرکتی را تایید می کند؟ کدام جامعه شناس و روان شناسی، گشت ارشاد را تایید می کند؟ چگونه است که گشت ارشاد این ماشین تولید نفرت و مشکل و هزینه، همچنان کار می کند؟

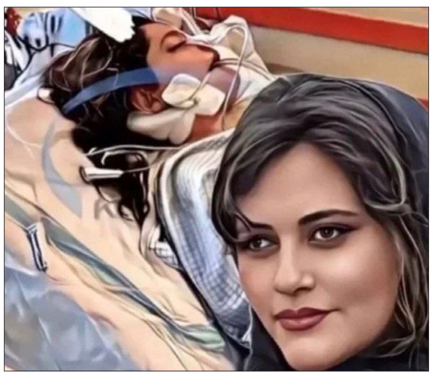
پنجم – کدام مقام ایرانی می تواند در نشست بین المللی در هر نقطه جهان، به گشت ارشاد اشاره کند و با افتخار و سرافرازی بگوید ما دختران و زنان را به دلیل اینکه همه موهایشان به طور کامل پوشیده نیست یا لباس های رنگارنگ و متنوع می پوشند بازداشت می کنیم؟ چون گشت ارشاد و بازداشت زنان و دختران در خیابان ها، قابل افتخار نیست.

ششم – در غیرمنطقی و بلاوجه بودن گشت ارشاد همین یک نکته کافی است که معیار بازداشت افراد چیست؟ یک بار این معیار را اعلام کنند. تاکنون هیچ متر و معیار مشخص و قابل اندازه گیری برای بازداشت دختران و زنان اعلام نشده است.

هفتم – پلیس باید برای بازداشت مجرم تلاش کند و مردم هم حمایت می کنند. مجرم یعنی دزد و قاتل و کلاهبردار نه دختر یا زنی که چند موی او از روسری اش بیرون است یا مانتویی که پوشیده کوتاه یا بلند است. اگر واقعا بیرون بودن بخشی از موی زنان مستوجب بازداشت و مجازات است پس همه زنان را بازداشت کنید.

هشتم – زن، حرمت دارد. به همین دلیل کلمات "حرم" و "حریم" هم برای همسر و زن استفاده می شود. حرمت دختران و زنان را نشکنید که با بدنامی همراه خواهد شد. این حق زنان و دختران است که در کمال امنیت زندگی کنند و در خیابان ها به رفت و آمد بپردازند. عامل ناامنی زنان و دختران و دلهره و ناراحتی همسران و فرزندان و والدین آنها نباشید.

نهم – در حال حاضر در ۵۴ کشور اسلامی، تنها در ایران حجاب اجباری و گشت ارشاد و بازداشت زنان و دختران به دلیل حجاب وجود دارد در حالی که حجاب زنان و دختران در ایران براساس معیارهای روز حجاب در جهان اسلام، مشکلی ندارد. تنها در افغانستان است که طالبان گشت ارشاد راه انداخته و حجاب اجباری آن هم در قالب پوشاندن صورت را تحمیل می کند



اما طالبان هم عقلش می رسد زنان و دختران را به دلیل حجاب بازداشت نکند و تهدید بازداشت را علیه برادران و پدران دختران و زنان می دهد. همان طالبانی که در عقب افتادگی همین بس که جلوی رفتن دختران به دبیرستان ها و اشتغال زنان در ادارات دولتی را می گیرد.

دهم – کار نادرست، نادرست است. وقتی اکثریت مردم می گویند گشت ارشاد، نادرست است و مخالف آن هستند، جایی برای ادامه آن نیست.

یازدهم – آن چه که در گشت ارشاد رخ می دهد می تواند مملو از اتفاقات فاجعه بار و تاسف برانگیز باشد. قبلا مواردی رخ داده است. از شلیک پلیس به همسر یک زن تا بازداشت یک دختر بیمار و آن چه که هر هفته از درگیری و کشمکش میان دختران و نیروهای گشت ارشاد منتشر می شود... .

آن چه که امروز فاجعه مهسا امینی را رقم زد قبلا پیش بینی و هشدار هم داده شده بود اما متاسفانه نیروی انتظامی و مسوولان، آن را نادیده گرفتند. حالا به اراده و خواست مردم احترام بگذارید و گشت ارشاد را تعطیل کنید و جلوی فاجعه های بعدی را بگیرید.

دوازدهم – با خود فکر می کنم نفر بعدی در صف این فاجعه کیست؟ کدام دختر و زن ممکن است قربانی بعدی گشت ارشاد باشد؟ کدام دختر ممکن است از سر تصادف و سرنوشت، نامش این چنین با اندوه و اشک و غم، بر سر زبان ها بیافتد و تصویرش، دل میلیون ها انسان را بسوزاند؟

سیزدهم – بزرگترین ضربه گشت ارشاد، علیه پلیس و نیروهای آن است. هزاران هزار نیروی پلیس در سراسر کشور، در شهرها و روستاها، در خیابان ها و جاده، در حال فعالیت برای برقراری امنیت و ثبات و نظم و آرامش و مقابله با جرایم مختلف هستند. شاید هیچ کس چون نیروهای پلیس، جان خود را برای این ماموریت در خطر قرار نمی دهند. همین چند روز اخیر دو نیروی جوان پلیس در تهران در اثر دو حادثه جان باختند. اولی در حادثه ای خانوادگی، مورد حمله قرار گرفت و دومی به هنگام تعقیب دو سارق مسلح، با حمله روبه رو شد و به شدت زخمی شد و جان باخت. نیروهای پلیس در خط مقدم مقابله با ناامنی هستند. هر اقدامی برای ضربه به وجهه و فعالیت نیروی پلیس، اقدامی نادرست و غیراخلاقی است.

زندگی آگاهانه

مهارتهای ارتباطی: انتقاد

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



اگر دوست دارید نکته اصلی این مقاله کوتاه را همین الان در دو کلمه به شما بگویم این است: انتقاد نکنید! ولی اگر دوست دارید دلایل این توصیه را بدانید می‌توانید مقاله را تا آخر بخوانید. این که ما خیلی راحت و مثل نقل و نبات از همدیگر انتقاد می‌کنیم دلیلش این است که برای ما به عادت تبدیل شده است. از بدو تولد از ما انتقاد کرده‌اند و ما هم یاد گرفته‌ایم از دیگران انتقاد کنیم. ضمن این که عیبهای دیگران را خیلی راحتتر از عیبهای خود می‌بینیم. چون اگر فکر کنیم آن انتقادها به خودمان هم وارد است احتمالا بجای انتقاد سکوت می‌کنیم. انتقاد مخرب، نابجا و غیر منصفانه مضرات زیادی دارد. نخست اینکه روحیه طرف مقابل را خراب می‌کند. علاوه بر آن بر خود انتقاد کننده و همین طور رابطه بین آنها هم تاثیر منفی می‌گذارد و این موج منفی همینطور به دیگران هم سرایت خواهد کرد. به یاد داشته باشیم که یک انتقاد یا عیب‌جویی اثر پنج جمله مثبت را از بین می‌برد. صد البته هیچکس منکر مفید بودن نقد درست نیست. اگر عیبهای یک کار گرفته نشود همچنان بر همان منوال اشتباه ادامه خواهد داشت. ولی شرایط نقد درست خیلی سخت و به ندرت بوجود می‌آید که خیلی به ندرت برای ما پیش می‌آید. البته همچنان نظر من این است که انتقاد نکنید ولی اگر واقعا اصرار به انتقاد دارید قبل از آن پرسشهای زیر را از خود بپرسید بعد تصمیم بگیرید. این پرسشها را من از کتاب تیغ نوشته آقای محمد پیام بهرامپور گرفته‌ام:

۱.آیا روش دیگری جز انتقاد وجود دارد؟
۲.آیا مشکل آنقدر بزرگ است و ارزش انتقاد دارد؟
۳.آیا با این انتقاد امکان اصلاح وجود دارد؟
۴.آیا خودمان این مشکل را نداریم؟ این انتقاد به ما وارد نیست؟
۵.آیا درست انتقاد کردن را بلد هستیم؟
۶.آیا اصلا به ما ارتباطی دارد؟
۷.آیا سلیقه مطرح است یا صلاح؟
۸.آیا بیش از اندازه انتقاد نمی کنم؟
۹.آیا فرد دیگری نمی‌تواند این انتقاد را انجام دهد؟
۱۰.آیا شخص مناسبی را برای انتقاد انتخاب کرده‌ام؟
۱۱.آیا شناخت کافی از فرد دارم که انتقاد می کنم؟
۱۲.آیا الان زمان مناسبی برای انتقاد به شمار می رود؟
۱۳.آیا اینجا جای مناسبی برای انتقاد است؟
۱۴.آیا فقط یک انتقاد را انتخاب کرده‌ام؟ بیشتر نشود!
۱۵.وقتی شخص در حال تغییر است دوباره از او انتقاد نکنم.
۱۶.آیا این انتقاد رنگ و بوی مقایسه ندارد؟
۱۷.لحن من جدی و درست است؟ به صورت شوخی بیان نشود.
۱۸.آیا باعث بی‌ارزش شدن انتقاد من نمی‌شود؟
۱۹.آیا برای ابراز وجود این کار را می کنم؟

اگر همه این شرایط وجود داشت تازه باید روش درست انتقاد کردن را هم بلد باشیم:
۱.ابتدا باید از طرف مقابل اجازه بگیریم. اگر موافق نبود حق نداریم نقد کنیم. ۲.نقد ما باید از حسن‌جویی از طرف مقابل شروع شود. ۳.باید یادآوری کنیم که این صرفا نظر شخصی ما است. ۴.نقد ما باید به رفتار او باشد نه شخصیت او. ۵.نقد ما حتی‌الامکان باید به پیشنهاد ختم شود. ۶.برای پذیرفتن نظر خود به او وقت و اختیار بدهیم.

منوچهر آتشی؛ جریان شعر ناب آفرید

اسکندراحمدنیا



زنده یاد آتشی، یکی از برجستگان تاثیرگذار بر شعر امروز ایران بوده است و هنوز هم این تاثیر پا برجاست، هیچ تاریخ ادبیاتی در شکل گیری این تاثیر نمی تواند از این اتفاق یادی نکند. آتشی با تمام سختی هایی که در ترویج و رونق انقلاب شعر نو نیما از اولین هاست و به سبب تلاش های بیشتری نقش بیشتری هم دارد، کوچ آتشی از سرزمین مادری برخلاف نظرهایی که در بیراهه رفتن شعر او اوج گرفت در گذری کوتاه (در تهران) تهرانیان را پس ازانتشار مجموعه ی آهنگ دیگر، شگفت زده و متعجب ساخت، او در تهران جریان شعر ناب را آفرید، مرجع رفع عیوب بسیاری از شاعران جوان شد، در رسانه تلویزیونی آن زمان (تماشا) شعر و سبکی که خلاقیت او بود و هست و طرفداران زیادی را به سمت و سو ی خود کشید و... . آتشی در فضای امروز و دیروز شعر نو فارسی شهره و تاثیر گذار بود و هنوز هم و در آینده و نسل های شعری آینده هم بی شک و تردید، حاظر و پرتاثیر!

با یاد جاودانه‌ی شعر: منوچهر آتشی

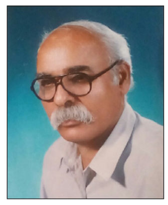
اینجا، همانجاست
تو روییده‌ای، روزی
در فراغ بال نسیم و
همین جا، بوده‌ای
در بوی خوش وحشی‌ترین نعناع که از نمِ
چشمِ صبحگاهی یک پری
دمید
تا آن سوی پرچین زنگلها
و پیداست اکنون
چهار نعل و سرکش
از مال رو قدیم (دهرود)
سرازیر می‌شود
وحشی‌تر از خشمِ زاگرس
اسبی سپید
اینجا، همان جاست
که آموخت از تو
(تیترموک) آواز باران
که می‌گفتی:
(چشم مرا به دوش می‌برند)

اینک
به روی چهار نعل سپید
کشیده قامت، خفته‌ای
ایستاده اما، به دوش می‌روی
چشمی به دشت
و خشمی با پلنگ
و شعری به لب:
(مگر کجای جهان نشسته ای
ای الهه‌ی تنها)
اینجا، همانجاست.
(مهرماه ۸۴ - بوشهر، اسکندر احمدنیا)

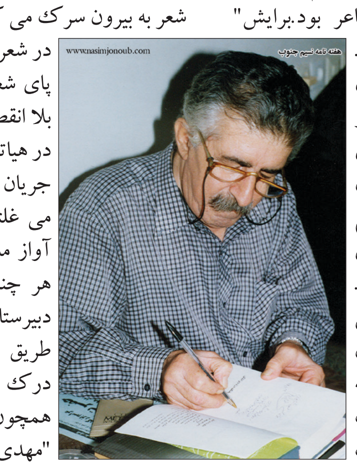
به مناسبت دوم مهرماه، سالروز تولد استاد منوچهر آتشی

تاثیر و جایگاه منوچهر آتشی در فضای ادبی ایران زمین

مرتضی زندپور



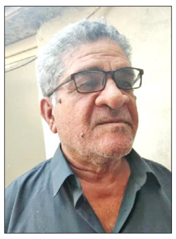
من می روم تا شاخه ای دیگر بروید/هستی مرا این بخشش مردانه آموخت(آتشی) سخن گفتن در باره ی آتشی کار ساده ای نیست. زیرا این شاعر ارزشمند و نامدار هنرمندی بود که علاوه بر شعر در عرصه های مختلف هنری/ادبی تلاش می کرد. او از اعضای قدیمی کانون نویسندگان ایران و از نخستین پیشگامان نسل سوم شعر نیمایی بود که در غنای شعر معاصر ایران جایگاهی ویژه داشت. هر چند جنوب ایران شاعران ارزشمند زیادی داشته و دارد ولی شعر جنوب را با نام "منوچهر آتشی" می شناسند. او ذاتا شاعر بود.برایش" شعر حرف شاعر" بود. او اعتقاد داشت که شعر، شمال و جنوب و شرق و غرب ندارد و این شاعرانند که از هر گوشه ای راه می افتند تا پس از درنوردیدن تجربه ها در زمزم شعر رفع عطش کنند و نهایتا به کعبه ی چرخاننده ی هنر واقعی برسند. از مهمترین دوره ی شکوفایی شعر منوچهر آتشی طی سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۹ بود که با چاپ کتاب های" آهنگ دیگر"در سال۱۳۳۹ و کتاب "آواز خاك" در سال ۱۳۴۶ خود را به عنوان شاعری جستجو گر به جامعه ی ادبی شناساند. او در عرصه های مختلف، شعر، ترجمه، نقد و تحلیل های ادبی کوشا بود."محمد حقوقی" در باره ی او می گوید: (منوچهر آتشی، درست در زمانی که اخوان از "زمستان"بیرون آمده بود و به آخر "شاهنامه"ی خود می رسید و شاملو با" هوای تازه "ی خویش روی به "باغ آینه" داشت. آتشی سوار بر توسن شعری با سکه ای دیگر اشعارم مرده و ایستای رمانتیك سال های سی را با پخش" آهـنگ دیگر"زنده و پویای خود از سکه انداخت... دیگر مدت ها بود که شعر او در کانون نگاه صاحب نظران جای داشت... آن هم شاعری چون او که هیچ گاه شعرش از زندگی و زندگی اش از شعرش جدا نبوده است). از تاثیرهای شعری منوچهر آتشی بر جریان های ادبی کشور رواج خصلتی در نگاه و زبان شعری او بود. نگاه آتشی نگاهی بومی بود. او با دو شعر "خنجرها، بوسه ها، پیمان ها" و "ظهور" از نخستین شاعران بعد از نیما است که با نگاهی ژرف به اقلیم خود نگریسته است. صور خیال او از زندگی فردی و اقلیمی او مایه گرفته بود. همان گونه که نیما واژه های لهجه ی مازندرانی را در شعرش به کار می گرفت.آتشی از کلمات لهجه ی جنوبی در شعرش استفاده می کرد. او برای معرفی شعر جنوب در تاریخ معاصر شعر ایران تلاش های فراوانی کرد. نام و شعر آتشی همواره در پهنه ی ادبی ایران درخشان است و درخشان خواهد ماند. آتشی در سفر زاده شده بود.در تفکرات اجتماعی متعادل بود.رضا براهمی او را نیمای جنوب خوانده بود(هر چند بعضی محمد رضا نعمتی زاده را نیمای جنوب می دانستند). آتشی انسانی پاك نهاد، با خلق و خوی مردمی بود. به قول شاپور جورکش(آتشی همان قدر که ظاهر ستبر و پلنگ وار داشت ولی دلی کودکانه در سینه اش می تپید، با هیچ کس عناد نداشت و همه آشتی می جست در همان حالی که برخی نا مردمی ها به شدت بر او تأثیر می گذاشت) او زمانی که در تهران می زیست با شاعران و ناشران زیادی آشناد شد. او روح سرکشی داشت و" اسب سفید وحشی" را در تملك خود گرفته بود. از کتاب های منوچهر آتشی می توان از" آهنگ دیگر"-"آواز خاك"-"دیدار در فلق"-"گزینه های اشعار"-"وصف گل سوری"-"گندم و گیلاس"-"چه تلخ است این سیب"-"حادثه در بامداد"-"باران برگ ذوق"-"خلیج و خزر"-"اتفاق آخر"-'غزل غزل های سورنا"- و "ریشه های شب"- را نام برد. او هر گز از بیرون وارد شعر نمی شد بلکه از درون شعر به بیرون سرك می کشید او پنجاه سال محاط



در شعر بود و همه چیز خود را به پای شعر ریخته بود. او استمرار بلا انقطاع شعر بود. او و شعرش در هیاتی جدایی ناپذیر مثل یك جریان در بستر زمان و مکان می غلتند و می رویند، شعر او آواز مستمر وجود خود او بود. هر چند در سال های آغازین دبیرستان از سال ۱۳۲۸ از طریق شعر توللی راه نیما را درك کرده بود ولی خودش همچون "احمد شاملو"-"مهدی اخوان ثالث"-"منوچهر شیبانی"-"اسماعیل شاهرودی"-"هوشنگ ابتهاج"-"نصرت رحمانی"-"سهراب سپهری"-"فروغ فرخزاد"-"فریدون مشیری" در تعالی این راه نقش والایی داشت.آتشی در سال 1310پا به عرصه ی گیتی نهاد و در تیر ماه 1384 بدرود حیات گفت (هر چند او در آثارش و در یاد و خاطر دوستان و مردم هنردوست و هنرمند دوست کهن دیارمان همیشه زنده است. چون: هر گز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق...) آتشی چنان در عرصه ی ادبی کشور شاخص بود که بزرگانی همچون: "محمد حقوقی"-"شاپور جورکش"-"سید علی صالحی"-شمس لنگرودی"-"بها الدین خرمشاهی"-"عبدالعلی دستغیب"-"فیض شریفی"-"حافظ موسوی"-"سیمین بهبهانی"-"آیدا شاملو"-"پوران فرخزاد"-"احمد پوری"-فریبرز رییس دانا"-"پرویز خائفی"-"ایرج صف شکن"-"ابوالقاسم و امین فقیری"-"صدرا ذوالریاستین شیرازی"-"سیروس رومی"-"ایرج زبردست"-"محمد و فرخنده حاجی زاده" و بسیاری دیگر از نویسندگان و شاعران مطرح کشور در باره ی او و آثارش مقالات و یاد داشت های ارزشمندی را به رشته ی تحریر در آورده اند که در عرصه ی ادبی و فرهنگی کشور ماندگار خواهد بود باید این موضوع را نیز از خاطر نبرد که بعد از کوچ آتشی ویژه نامه های ماندگاری از طرف دوستان و نشریات متعدد بوشهر برای این شاعر بزرگ و چهره ماندگار ادبی تدارك دیده شد که بسیار با ارزش بود و همچنین بر گزاری سالگشت و سالمرگ های متعددی که در فرهنگسرای چاه‌کوتاهی(آرمگاه استاد آتشی) به خصوص در زمان حیات استاد" محسن شریف" برگزار می شد در معرفی هر چه بیشتر این شاعر بزرگ به جامعه ی ادبی و فرهنگی کشور بی تاثیر نبود متبرك باد نام او...

تنوع در زبان و ساختار در اشعار آتشی

حسین پورصفر



منوچهر آتشی از جمله شاعران مطرح معاصر است با کوله باری از تجربه شعر. عشق به سرودن از یکسو و اشتهای سیری ناپذیر برای دست یابی به افق های تازه از سوی دیگر، خمیرمایه کار این شاعر خستگی ناپذیر است. در عرصه زبان و ساختار تنوع و گوناگونی از ویژگی های کار او است. بدون شک آتشی بیش از هر شاعر معاصر از زبان های گوناگون و ساختارهای متفاوت در ارایه آثارش بهره برداری کرده است. او در هر دوره به زبان و ساختار خاصی در شعر نظر داشته و در این راستا گرچه همواره کوشیده است به زبان و ساختار شعرش وحدت و انسجام ببخشد اما آثار او بیانگر این واقعیت است که تنوع در زبان و ساختار همچنان از ویژگی های غالب در شعر او بشمار می رود. این موضوع از طرفی باز می گردد به تسلط و احاطه این شاعر بر زبان ها و به تبع آن ساختارهای متفاوت شعری و از طرف دیگر باز می گردد به بینش و تفکر این شاعر در مورد هنر و زندگی. قابل تامل است که آتشی در نوشتارهای ادبی خود هنر را گونه ای بازی تلقی می کند و بازی را گونه ای صورت بندی سوگ و هراس اولیه می داند که اندك اندك از صورت کنش های دور از اختیار ،به صورت آئین و بازی گرایش یافته است و آن را نمایشی جهت سرگرمی و لذت آرامش روح و درمان اندوه تعبیر می نماید.



در این باغ کوچک چرا
چرا صدای تبر قطع نمی شود
چرا صدای افتادن ؟
تا کی به سوگ سروها بنشینیم
تا کی به سوگ صنوبرها
در این باغ کوچک مگر چند
سرو صنوبر هست
که دندان برنده ی تبر از شکستنشان
سیر نمی شود ؟

منوچهر آتشی

برای بهبود وضعیت عشق، هیچ طلسم مهر و محبتی وجود ندارد

دکتر مریم سازگار - روانشناس



برای بهبود وضعیت عشق هیچ طلسم مهر و محبتی وجود ندارد. با توجه به آمار رو به افزایش طلاق در ایران که به طلاق‌های جنسی، عاطفی و رسمی می‌توان دسته‌بندی کرد، سلامت جنسی یکی از ابعاد چندگانه سلامت روان انسان است و از اصول اصلی داشتن خانواده سالم.
در حال حاضر طلاق جنسی همسو با طلاق عاطفی زندگی زناشویی زوجین را هدف قرار داده است. طلاق جنسی به‌مراتب سخت تر از طلاق عاطفی است، چراکه داشتن رابطه زناشویی سالم از ارکان اصلی تشکیل زندگی مشترک و استحکام‌بخش رابطه زناشویی می‌باشد و سبب افزایش عشق و علاقه در زندگی مشترک.
بیش از نیمی از کسانی که به دلیل مشکلات جنسی تصمیم به جدایی می‌گیرند، دلیل بی‌ربط دیگری را به طلاقشان نسبت می‌دهند. مردها می‌گویند همسرمان خانه‌داری بلد نیست و بداخلاق است و زن‌ها میگویند شوهرمان خرجی خانه نمی‌دهد و مرا درک نمی‌کند، در حالی‌که حقیقت چیز دیگری است!
اکنون پس از دوره‌ای آموزش و فعالیت به عنوان درمانگر اختلالات جنسی و مشاور پیش از طلاق و بررسی دست‌کم صدها پرونده‌ای که به واحد مشاوره پیش از طلاق ارجاع داده می‌شد، این سؤال برایم آزاردهنده بود که چرا روابط اکثر ازدواج‌های کنونی به سامان نیست؟ چرا این‌همه نارضایتی و عدم پایبندی به زندگی زناشویی که منجر به روابط فرا زناشویی می‌گردد وجود دارد؟ آن‌هم در جامعه‌ای که تقدس یک زندگی زناشویی و حفظ بنیان خانواده چه در عرف و فرهنگ آن و چه در دین آن از اصول اساسی بوده و شهره عام و خاص می‌باشد!
زمانی که زوجی تصمیم بر طلاق می‌گیرند، این خبرشان همه را متعجب می‌کند. از نگاه دیگران مشکل عمده‌ای در زندگی زناشویی‌شان دیده نمی‌شود. وقتی دلیلش را از خودشان می‌پرسم یک مشت بهانه تحویلم می‌دهند. می‌گویند همدیگر را درک نمی‌کنند و انگیزه‌ای برای ادامه زندگی مشترک ندارند. وقتی بیشتر پیگیر می‌شوم تا اصل موضوع را بفهمم می‌گویند زندگی‌مان تبدیل به یک عادت تکراری شده. انگار حتی خودشان هم دقیق نمی‌دانند چرا می‌خواهند از هم جدا شوند. شاید هم می‌دانند، اما حجب و حیای مرسوم خانواده‌های ایرانی نمی‌گذارد راحت بگویند که به دلیل نارضایتی جنسی این تصمیم را گرفته‌اند.
بر طبق تجربه کاری خود از علت‌های مهم شاید دست‌کم بالای ۶۰ درصد از طلاق‌های اتفاق افتاده را نارضایتی‌های زناشویی از روابط جنسی بین زوجین و عدم همسان بودن نظر و عقیده طرفین در پیش ازدواج راجع به مسائل جنسی پس ازدواج می‌دیدم. بر این اساس به شناخت هرچه دقیق‌تر موضوعات اساسی و بنیادینی که از عوامل تشکیل‌دهنده طلاق‌های جنسی و عاطفی و نهایتاً طلاق‌های رسمی می‌گشت، پرداختم و مسئولیت فراهم آوردن منبعی که بتواند به جوانان کشورمان در شناخت بهتر و عمیق‌تر طرف مقابلشان در دوران پیش ازدواج از منظر بررسی و سنجش یکی از همخوانی‌های مهم در بینشان که همخوانی (همتایی) جنسی آمیزشی می‌باشد و کسب این مهارت به عنوان مهارتی حیاتی در ایجاد یک زندگی مشترک زیبا و پر استحکام برای آینده گردد. باانگیزه به دستیابی به این هدف کار روی کتاب «عشق و همخوانی زوجین» را آغاز کردم، چراکه پیشگیری مقدم بر هر درمان است و آموزش صحیح در حیطه شناخت هرچه بهتر زن و مرد از خودشان و باورهای غلط و گاه کاذبی که غالب بر تصمیم‌گیری صحیح می‌شود و مجهز شدن به دانش سالم زناشویی از اصلی‌ترین منابع پیشگیری می‌باشد. چراکه نجات فرد نجات جامعه است و از فرمایشات مقام معظم رهبری که می‌فرمایند: «امیدوار هستم که مردم ما توجه کنند به این موضوع که مراجعه به متخصص روانشناس و مشاور در امر مسائل روانی به‌خصوص برای محیط خانواده یک ضرورت است».
برای ارزیابی بررسی همتایی جنسی شما و نامزدتان، شواهد و روش‌هایی گردآوری‌شده است که در این کتاب توضیح داده‌ام. اما تلاش من برای اعتبار بخشیدن به آن‌ها به پایان نرسیده و احتمالاً این تلاش همچنان ادامه یابد و در نتیجه کتاب حاضر گزارش کارهای ناتمام است و نه عرصه نهایی نظریه‌ای که به‌طور کامل به محک زده‌شده باشد.
این کتاب را برای همه‌کسانی که به عشق و انتخاب اصلح و شایسته همتای زندگی مشترک خود و حفظ بنیان خانواده خود علاقه‌مند است نوشته‌ام که احتمالاً همگان را شامل می‌شود خواهد بود.
این کتاب در زمره کتاب‌های «چه کنم تا... نیست» و نیز کتابی نیست که سبب خوشامد و ارضای ذهنیت‌های بیمارگونه در حال بهبودی شود.



کوشیده‌ام کتاب حاضر کتابی جدی باشد که هم برای غیرمتخصصان راحت و قابل‌فهم باشد و هم متخصصان را نیز به کار آید. امیدوارم خوانندگان به دیدگاه تازه‌ای در باب میزان اهمیت سلامت جنسی در خانواده دست یابند و بر اساس آن به پاسخ هایی برسند بر این اساس که چرا باید با نامزد خود همتایی مناسب جنسی داشته باشند؟ و در صورت نداشتن همتایی جنسی مناسب با نامزد خود چه آسیب‌هایی در آینده زندگی مشترک ایجاد می‌شود.
منابع گوناگون و کسان زیادی مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری این کتاب دست داشتند. از همه‌کسانی که با اعتماد کامل قصه روابط عاشقانه خویش را نقل کردند تشکر می‌کنم. با این‌همه، همه نام‌ها و جزئیات این داستان‌ها را تغییر داده‌ام به طوری‌که همه‌کسان به‌کلی ناشناس مانده‌اند.

دقیقه نود معلمان، وقت اضافه دانش آموزان

مائده قیم

فصل مهر فصل شکوفه ریزان گلبرگهای گل سرخ زندگی عالمانه و فرهیختگی برای همه جویندگان علم و دانش است، فصل مهر فصل تندیس استمرار پایداری و استقامت برای جویندگی است
شروع متفاوت سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱برای دانش آموزان عزیز ایرانی، کودکان و نوجوانانی که با شیوع ویروس کرونا در امتداد مسیر تعلیم و تربیت کیف و کتاب خود را رها کرده اند و دیگر نظم حضور در مدرسه را به فراموشی سپردند.
امیدان آینده ای که هر روز شاهد اتفاقات ناگوار و شرایط سخت محیطی کرونا بودند، در این دو سال شیوع کرونا در کشور و آنلاین بودن آموزش‌ها، آسیب‌های زیادی از جهات مختلف به دانش‌آموزان وارد شده است.
مادری می گفت: دخترم تکالیف مدرسه اش را انجام نمی دهد و مرتب در خانه با هم بحث می کنیم که در نهایت با تنبیه و فریاد مجبور به انجام تکالیفش می شود.
بگذریم از اینکه این مادر خود نیز شیوه های فرزند پروری را آموزش ندیده است، وقتی از وی درخواست کردم به مشاور مراجعه کند،گفت: این از روز اول که دنیا اومد همینجور بود، مشاور برای چیه؟
من نیز گفتم: دوست عزیز، مگر فرزند شما در نوزادی درس می خواند؟! کرونا هم که دو سال آمده،پس لطفا نگاه صحیح و منطقی داشته باشید.
گاهی وقت ها والدین برای راحت کردن خود از این جملات استفاده می کنند و فرزند به علت غیر واقعی بودن این صحبت ها، درخواست های والدین خود را قبول نمی کند. فرزند در انجام تکالیف مدرسه لجبازی می کند و در آخر با تنبیه مجبور به انجام تکالیف می شود که سال ها بعد مشکلات و معضلات خود را بروز می دهد.
سوال اینجاست آیا والدین وقت کافی برای آموزش فرزندان خود می گذارند؟
اکثر مادران می گویند: جواب خیلی راحت است؛ بله ! از وقتی فرزندم از مدرسه می آید دفتر و کتابش را از کیف در می آورم و بازخورد معلم را می بینم و تا شب درگیر درس دادن فرزندم هستم.
مادر یکی از دانش آموزان می گفت: حتی به کارهای روزانه ام نمی رسم.
دقیقا صحبت ما در این جا است که وقتی برنامه ریزی نباشد و فرزند ما از آغاز سال تحصیلی مقررات و قوانین حاکم بر خانه را نیاموخته باشد، والدین و دانش آموز سرگردان می شوند و از وقتشان استفاده بهینه نمی کنند.



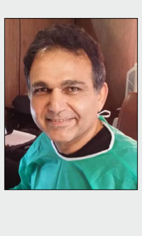
در اینجا صحبت ما فقط مباحث درسی نیست گرچه مهارت های هنری و خلاقیت مهم است اما مهارت های لازم برای کودکان در محیط اجتماعی مثل آموزش کتابخوانی، رفتن به اردو و در محیط هم سالان قرار گرفتن، آموزش مهارت های خارج از مدرسه مثل سوار شدن در سرویس مدرسه بازی کردن با دوستان، ارتباط با معلم و.... .
پدر و مادر عزیز چه انتظاری از این بچه ها دارید؟!
دانش آموزانی که به علت حضور در خانه و فاصله گرفتن از محیط آموزشی و فیزیکی و با گذراندن بیشتر وقت خود در فضای جذاب مجازی، کم کم ارتباطشان با پدر و مادر کم می شود و والدین تسلط کافی بر روی عملکرد فرزند خود ندارد.



اینجا نقش والدین چیست ؟
مفاهیم و مباحث کتب درسی زیاد می باشد و از طرفی بچه ها دو سال از محیط آموزشی فاصله داشته اند و امروز می خواهند دوباره به محیط مدرسه بازگردند.
بیاییم ما مادران و پدران هوای فرزندانمان را داشته باشیم و اگر هنوز برنامه ریزی نکرده ایم، در این یک روزهای آغازین مدرسه، شیوه زندگی خود را مطابق با شرایط تحصیلی فرزندانمان برنامه ریزی کنیم.
شب ها زود بخوابیم و قوانین زمان انجام تکالیف را با هم تنظیم کنیم و در حل کردن تکالیف صبور باشیم.
اگر در تابستان فرزندمان وقت بازی بیشتری داشت یا جهت دید و بازدید به خانه اقوام می رفت، یک دفعه از کودک این وقت را نگیریم وآن را با برنامه ریزی کم کم به حد مطلوب برسانیم.

دلنوشته

دکتر سیاوش دهقانی



هنوز مرگ مهسا امینی را هضم نکرده بودم که صبح خبر مرگ مادر خانمم را پشت تلفن بهمان اطلاع دادند، از صدای گریه خانمم بچه ها بیدار شدند و یکی یکی آمدند تو اطاقمان، من هم سعی کردم به تناسب سن هر کدام توضیحاتی بهشان بدهم، چند دقیقه ای رفتند تو بغل مامانشان و بعد هم تو اطاق خودشان؛ دلداری دادن هنر زنونه ای هست، سعی خودم را کردم ولی گریه خانمم بیشتر شد، خوب تو غربت و هزاران کیلومتر دورتر از کشورمان کس دیگه ای هم برای این کار نبود، دیدم ساکت باشم بیشتر کمک کرده ام، بچه ها را بردم مک‌دونالدی سر خیابان تا نیم ساعتی از فضای خانه دور باشند، برگشتم، سرم را توی کتاب کردم که مثلا دارم درس می خوانم، فکرم همه جا بود غیر کلمات انگلیسی، کتابی که برای گرفتن نظام پزشکی بریتانیا باید می خواندم، تصویر مهسا، تصویر مادر خانمم که به نوعی دختر عموی خودم هم بود و تصویر مردی که توی سن قریب به پنجاه سالگی باید درس هایی که توی بیست سالگی خوانده را مجددا امتحان بدهد و تصویر سرزمین مادریِ چند میلیون مهاجری که می توانستند در کشور خودشان باشند و قبر عزیزانشان را در بغل بگیرند اگر ...

ملاکرم کرمی آزاد، برگزیده اجلاس بین المللی خادمان اهل بیت (ع)

علیرضا بازدار



ملا کرم در سال ۱۳۰۹ ه.ش در محله ی لیل بحرینی - مکان فعلی پایگاه هوایی بوشهر- و در پی ازدواج دو مرد و زن زحمتکش و دیندار با نام های علیباش و مکیه دیده به جهان گشود. مانند سایر کودکان و نوجوانان محل به تفریحات، بازی های محلی و ورزش رایج آن دوران یعنی فوتبال پرداخت.

در عنفوان جوانی با درک مشکلات معیشتی خانواده و با هدف کمک به اقتصاد آن در کارخانه اعتمادیه مشغول به کار شد. این کارخانه در سالهای دهه ی ۱۳۲۰ و پس از پایان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و همگام با رشد و آگاهی جامعه از حقوق خویش کانون شکل گیری اعتراضات صنفی و سیاسی در منطقه می گردد. در این شرایط و با توجه به شرایط اقتصادی جامعه و عدم اقبال خانواده ها به تحصیل و اولویت ناخواسته اقتصاد بر دانش، وی نیز مانند سایر افراد تا زمان اشتغال به کار در کارخانه امکان تحصیل نداشته، ولی با ثبت نام در کلاس های اکابر کارخانه ضمن سوادآموزی و شکل گیری شخصیت اجتماعی،گرایش قابل ملاحظه‌ای به دین و منبر در خویشتن احساس می کند. از همین جاست که پس از طی کردن کلاس های اکابر و مطالعه ی کتب دینی - تاریخی در دسترس، به دنبال تجربه اندوزی و شناخت از چند و چون روضه خوانی سیر و سلوک می نماید. این که چگونه و از چه مسیری ایشان به این بلوغ در آیین روضه خوانی دست یافته برای خیلی از مردمی که کمابیش وی را می‌شناسند، اما بنا به گفته خودش سنگ بنای رشد و شکوفایی استعدادش به زمان اشتغال در کارخانه اعتمادیه و حضور در کلاسهای اکابر بر می گردد. طول نمی کشد، که کیفیت صدا و تسلط بر گفتارش باعث می شود تا بزرگان محل رگه‌هایی از استعداد را در زمینه مرثیه خوانی و خطابه شناسایی و با ترفندی جالب شکوفا نمایند.

داستان نحوه ی شکوفایی استعداد وی نیز برای نسل جدید آموزنده و خواندنی است.

چه عجیب است وجه اشتراک بین دموستنس یونانی و ملاکرم، آن جا که دموستنس در پی پیشنهاد دوستانش برای تسلط درسخن گفتن و احقاق حق خویش به کوهستان پناه می برد تا آیین سخنوری و خطابه را بیاموزد و ملا کرم نیز در لیل و پس از قرن ها با ابتکار عمل بزرگان محل در راهی دیگر (روضه خوانی)، تجربه سخن گفتن بر منبر را به فرا می گیرد!!!

دموستنس تنها به کوهستان می رفت و در صحرا و کوه و دشت، برای جمعیت انبوه فرضی سخنرانی های آتشین می کرد. در میان سنگها حفره ای غار مانند درست کرده بود، به اندازه ای که فقط خودش در آن بتواند ایستاده جای بگیرد.

بر دیواره های این غار تنگ و مصنوعی، تیغها، خارها،میخ هاو سیخ های بزرگ و کوچک و دراز و کوتاه و جور واجور نصب کرده بود، به شکلی که بتواند یک فضای محدود و مفید داشته باشد، که وقتی ایستاده قرار می گیرد وتمرین سخنرانی می کند دستش، سرش، شانه، گردن و بدنش نتواند بیش از آن چه برای سخنرانی لازم است و یا آهنگ و موضوع سخن ایجاد می کند حرکت دهد. (برگرفته از کتاب تشیُّع علوی و صفوی - نوشته دکتر علی شریعتی)

سرانجام وی - دموستنس- با آن لکنت زبان ،ولی با تمرین و سخت کوشی بسیار به یکی از خطیبان بزرگ یونان و جهان تبدیل می‌شود. ملا کرم نیز همراه با مرحوم کرم میرشکاری (دیگر واعظ خوشنام و هم دوره ای خود) در لیل بحرینی و در مکانی که با ابتکار عمل و سناریوی تنظیمی از سوی مرحوم حاجی احمدی پور(از بانیان مسجد لیل در آن زمان) برای متکاهای زیادی که به عنوان مستمعین(مردم حاضر در مسجد) به دیوار تکیه داده شده‌اند شروع به خطابه و روضه خوانی می کنند تا هم بر استرس خویش غلبه نمایند و هم ضعف های خود را شناسایی و برطرف کنند!!!

با گذشت زمان وکسب تجربه وی به واعظی خوش صدا و خوشنام در سطح شهر بوشهر به خصوص محلات جنوبی شهر تبدیل می گردد.

وجه تمایز ملاکرم از اغلب منبری های خلف و سلف خویش، عدم اتکا به عواید مالی روضه‌خوانی است؛ زیرا در سنین جوانی و میانسالی همراه با این کار در مشاغل مختلف از جمله ماهیگیری برای امرار معاش کوشیده است.

در نتیجه مانند مردم و با مردم بودن به وی آموخت که برای قرار گرفتن در قلوب آنها نیاز به بازی با کلمات و ترویج خرافات ندارد، بلکه بدون



خودبزرگ بینی حرف و عمل را باید در یک راستا قرار داد و از ریاکاری پرهیز نمود.

از زمانی که کودکی ده ساله بیش نبودم ملا کرم را تاکنون فردی با نظم و دیسیپلین خاص در حرف و عمل میشناسم .بر حسب نوع کسب و کار ایشان (ماهیگیری) و ارتباط آن با شغل پدرم (مغازه داری) و با استناد به آموزه هایی که از خانواده به من انتقال یافته، یکی از صفات برجسته ایشان توجه خاص به کسب روزی همراه با تلاش و از نوع حلال آن بوده است.

با چشم و گوش خویش در کودکی دیدم و شنیدم،که ایشان در یکی از روزها، پس از بازگشت از دریا (در اوایل دهه ۱۳۵۰ مصادف با سال های اولیه کوچ مردم لیل به سایر نقاط شهر بوشهر) علیرغم خستگی از کار ماهیگیری و دریا به سبب علو طبع و مردم داری بر روی دسترنج روزانه‌اش (ماهی های صید نموده) مبلغی تعیین ننمود و با علم به محدودیت‌های مالی مردم محله با گذشت و تساهل و با گفتن این جمله که "هرچه خودتان صلاح دانستید" موضوع را به پدرم واگذار کرد .

ملا کرم پرورش‌یافته فرهنگ حاکم بر گذشته بوشهر و نماد و مبلغ بی غل و غش قرائت سنتی از دینداری مردم بوشهر در قرن گذشته است.

وی به عنوان چهره ی ماندگار عرصه منبر و روضه خوانی در"اجلاس بین المللی خادمان اهل بیت(ع) در سال ۱۴۰۱ "، معرفی گردید.

پیشکسوتی از فوتبال و باشگاه شاهین بوشهر

علی پورشاکر؛ پیشکسوت فعال در فوتبال پایه

رضا سیاهوشی

مدافعی سخت کوش و متعصبی که وقتی در مستطیل سبز حضور داشت بسیار قوی و جدی عمل می کرد و انسان شریفی که فقط باید در کنارش باشی تا بدانی چه قلب مهربان و شخصیت بزرگی



دارد.

سال ۶۴ توسط محمود بیداریان به تیم ملی نوجوانان دعوت می شود و جالب اینجاست که تا قبل از آن عضو هیچ باشگاهی نبوده است!

«علی پورشاکر» متولد۱ / ۹ / ۱۳۴۹ در محله هلالی بندر بوشهر.

پدرش در کارگاهی کار می کرد که مدیر آن زنده یاد عبدالعلی کامیاب، و حسین کعبی، سرپرست آن جا بودند.

وقتی این دو مسئول مطلع می شوند که پسر پورشاکر، فوتبالیست است با وی هماهنگ می کنند تا پسرش (علی) را به تیم فوتبال شاهین ببرند و از سال ۶۵ علی پورشاکر به عضویت باشگاه شاهین در می آید.

علی می گوید: عضویت در باشگاه شاهین افتخاری غیرقابل توصیف برایم بود و تا سال ۷۲ که شاهین برای اولین بار (بعد از انقلاب) به لیگ یک (بالاترین سطح فوتبال آن زمان یا به نوعی لیگ برتر) آمد بازی کردم که متاسفانه به علت تصادف دیگر نتوانستم ادامه فوتبال بدهم.

بعد از کنار گذاشتن فوتبال در سال ۸۴ با درخواست غلام خوش طینت (رییس تربیت بدنی وقت شیلات) و در کنار ولید صفری، احمد خالق پناه و حمایت محمد تخشا (معاونت اداری و مالی وقت اداره کل شیلات) که واقعا از مدیران دلسوز و علاقمند به ورزش بود، در مدرسه فوتبال شیلات مشغول به فعالیت شدم.

پس از دو سال موفقیت در شیلات و بنا به دلایلی با تمام بازیکنان در خدمت باشگاه استقلال بوشهر قرار گرفتیم و در آن جا هم دو سال موفق سپری کردیم تا این که بنا به درخواست رضا عبدالله زاده مدیر وقت آن باشگاه، که توافق رضا سیاهوشی هم جلب کرده بود با برگزاری جلسه سه نفره تصمیم به همکاری با باشگاه محبوبمان گرفتیم.

این بار نیز با ورود مجدد شاهین به لیگ برتر به باشگاه آمدم تا در خدمت باشگاه و مدرسه فوتبال آن باشم.

در شاهین با همکاری رضا سیاهوشی (مدیر مدرسه فوتبال)، منصور کاوه بیان (سرپرست)، میثم وفایی، مجتبی شجاعیان، اکبر بارگاهی، علی خواجه، مبارک صیداوی (مربیان)، احسان دریانورد و رضا لب شکری (مسئول تدارکات) مجموعه ای هماهنگ و بسیار خوب و موفق تشکیل دادیم که همه عناوین و افتخارات شهرستانی، استانی و کشوری برای شاهین کسب نمودیم.

این پیشکسوت، با تواضع و فروتنی، موفقیت هایش را حاصل تلاش و همکاری این افراد دانسته و به خرد جمعی اعتقاد دارد و از عزیز دشتی دوست (پیشکسوت و مدیر باشگاه استقلال مُخبلند) و خسرو باباچاهی (عضو هیات مدیره باشگاه شاهین) محمد تخشا (از مدیران سابق شیلات) بخاطر حمایت هایشان سپاسگزاری می نماید.

هرچند تمام تیم هایی که مسئولیت فنی آن به عهده پورشاکر بود بسیار موفق عمل نمودند اما خودش می گوید: «همان طور که می دانید موفقیت در فوتبال پایه، پرورش استعدادهاست نه قهرمانی و یا کسب پیروزی».

بسیار خوشحال است که شاگردانش موفق عمل کرده و پیشرفت داشته اند و از بازیکنانی همچون مهدی قایدی، محمد محبی، محمد مشایخ، متین کریم زاده، محمد پورشاکر، همایون افتخاری، محمد شریفی، علی عالی نژاد، حسن حاجب، رضا حسن پور، محمدرضا احمدی، آرش علیزاده، علیرضا سیاهوشی، حسین هوپناه، صادق غریبی، مهران حاجب، علی ابراهیمی، پوریا فرد و عرشیا برزگر زاده نام می برد و برای همه ورزشکاران و به خصوص فوتبالیست های جوان استان آرزوی موفقیت می نماید.

مهدی طارمی ستاره فوتبال ایران و باشگاه پورتو در بازی مقابل استوریل به یاد مهسا امینی و در واکنش به همدردی با مردم ایران با مچ بندی مشکی وارد زمین شد.



خاطره بمباران شهر بوشهر

آژیر قرمز و آسمان ابری ما را غافلگیر کرد

محسن گنبدی



طبق معمول صبح روزهای جمعه جهت انجام مسابقات فوتبال به زمین فوتبال محله می رفتیم. روز جمعه مورخ دوم فروردین ماه یک هزار و سیصد و شصت و چهار، ساعت یازده و نیم به خانه آمدم. خانه مرحوم پدری دارای پنج اتاق پنج دری با دیوارهای شصت سانتی و در جلو مهتابی بود و حیاط بزرگ.

وقتی وارد شدم دیدم مادرم اطاق روبرو حیاط نشسته و سجاده نمازش باز کرده، رادیو کوچکش روشن است. منتظر اذان ظهر بود و داشت زیارت عاشورا می خواند. سلام کردم و به آشپز خانه رفتم. دیدم غذا حاضر کرده و قابلمه برنج روی چراغ سه فتیله گذاشته تا دم بیاید. با خودم گفتم در این فاصله که اذان شود و نماز بخوانم خوب است شروه گوش دهم. من به شروه و شروه خوانی خیلی علاقه دارم و کاست های زیادی در این رابطه داشتم. ضبط صوت را برداشتم و به اطاق مجلسی رفتم. گفتم مادر دارد زیارت عاشورا می خواند مزاحمش نباشم. نوار کاست شروه مصیب کمیزی گذاشتم و صدای آن را کم کردم.

متوجه شدم که رادیو کوچک مادرم که روشن بود و قرآن قبل از اذان پخش می کرد، هنوز قرآن تمام نشده بود که رادیو آژیر قرمز پخش کرد. ساعت تقریبا دوازده و ده دقیقه بود، ما در این مدت پنج سال از جنگ که گذشته بود آژیر قرمز برایمان عادی بود، نه برای ما بلکه برای تمام مردم بوشهر.

شاید کمتر از پنج دقیقه نگذشته بود که صدای مهیب برخورد راکت با زمین، همه چیز را زیر خاک گل برد. فقط من خودم را به درب اطاق رساندم، چشمم هیچ جایی را نمی دید. در آن لحظه متوجه شدم یک نفر دست مرا کشید و با خود به کوچه برد. بعد فهمیدم که مادرم بوده است.

بعد از چند لحظه که از شوک بیرون آمدم، دیدم که راکت وسط حیاط ما خورده، ولی گویا چون روی بغل به زمین برخورد کرده خوشبختانه منفجر نشده است و فقط خاک و خورده سنگ روی خودش پوشانده بود. در این موقع همه همسایه ها و اهالی محل سراسیمه به خانه ما و محل حادثه آمدند. تمام خانه زیر خاک بود، حتی غذایی که روی چراغ بود.

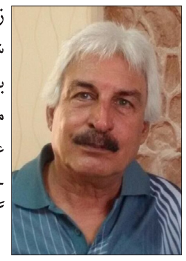
دیدم بچه های سپاه پاسداران و گروه تخریب پایگاه هوایی ششم شکاری مشغول به کار شدند. اول دستور دادند خانه را سریعا تخلیه کنند که در این میان بچه ها و اقوام و اهالی محل ظرف مدت یک ساعت وسایل خانه را به خانه دایی ام مرحوم حاج عبدالمحمد زنگویی بردند و بعد به اهالی کوچه گفتند که خانه های خود را ترک کنند چون راکت عمل نکرده هر لحظه ممکن است اتفاق ناگواری رخ دهد.

همان روزچهار راکت در یک مسیر در محله سنگی بوشهر منفجر شد؛ اول خانه ما، بعد زمین فوتبال باشگاه دارایی و سومین راکت در خانه اسماعیل حیاتی که فرزند خردسالش رقیه متاسفانه به شهادت رسید و چهارمین راکت هم در مدرسه راهنمایی پسرانه مدرس (که الان دبیرستان دخترانه حجاب می باشد) که خوشبختانه به خاطر روز جمعه مدرسه هم تعطیل بود.

خلاصه نیروهای کمکی از قبیل نیروهای شهرداری، هلال احمر، اورژانس، آتش نشانی همه با کمک همدیگر در این امر خطیر شرکت داشتند. راکت تقریبا یازده متر در زمین فرو رفته بود و بعد از یک هفته موفق شدند آن را پیدا و خنثی کنند. شهردار وقت مهندس ستار سیفی بود که هر کجا هست خداوند پشت و پناهشان باشد خیلی زحمت کشیدند. همچنین گروه تخریب پایگاه هوایی و دیگر عزیزان که از همه آنها تشکر و قدردانی می کنم.

قایق سواری در مدرسه سعادت بوشهر

سیروس خباز ثابت



زمستان ۱۳۴۳بود من کلاس ششم دبستان در بوشهر بودم. خانه ما تا مدرسه ۲۰۰ متر فاصله داشت ولی به علت بارندگی زیاد سرتاسر خیابان منتهی به مدرسه آب گرفته بود.

۱۰روزی می شد که برای رفتن به مدرسه می‌بایست ۱۵۰متری در آب رفت و آمد می کردیم، آب گرفتگی خیابان و پیاده رو ما را مجبور می کرد تا از در خانه کفش و جوراب در آوریم و پاچه شلوار مان تا زانو بالا بزنیم و طول خیابان را تا مدرسه طی کنیم. مدرسه تازه تاسیس ملی سعادت روبروی ساختمان فعلی مخابرات مرکز دو، که اون زمان نه از ساختمان مخابرات خبری بود و نه از رادیو تلویزیون مرکز بوشهر و نه از اداره پست، سرتاسر بیابان بود. بوشهر فقط چهار محل بود و پمپ بنزین آخر بوشهر. اداره فرهنگ هم، دبستان ملی سعادت نوترین مدرسه بوشهر ساخته بود، سه سال پیش ما را از مدرسه ۱۳ آبان کنونی که نامش بوذرجمهری بود جابجا کرده بودند و به این مدرسه تازه تأسیس انتقال داده بودند بنام دبستان ملی سعادت، که تقریبا تمام دانش آموزان شش کلاس آن از بچه های سرشناس و رییس و کارمند تشکیل می شد. مثلاً در کلاس ما که در سال ۱۳۴۳کلاس ششم بودیم، بچه فرماندار، رییس فرهنگ، رییس ژاندارمری و... بودند. معلم کلاس ششم ما مرحوم دهباشی بود که نماینده روزنامه کیهان و خبرنگار کیهان و کیهان بچه‌ها در بوشهر بود. مدیر مدرسه هم مرحوم فروتن بود که تمام بچه های دبستان ترس عجیبی از وی داشتند. همیشه چوب بدست بود و ابهت داشت.

در یک روزی از بهمن ماه که حیاط مدرسه ما که بشکل تی بود از سه طرف آب گرفته بود و سه تا حوضچه پر از آب در حیاط مدرسه بوجود آمده بود، در این سه ماه زمستان هیچ زمین بازی نداشتیم، تور والیبال و تیر آن تا نیم متر درون آب بود، همچنین زمین فوتبال، ساعت ورزش همه بازی ها تعطیل بود بجز پینگ پنگ آن هم برای محدودی از بچه ها.

یک روز معلم سوالی کرد که بچه‌ها کی تو خونه قایق دارد؟ منظور از قایق بشکه خالی قیری بود که دوسر آن را بر می‌داشتند و از طول آن را شکاف میدادند و سر و ته آن تخته میزدند بشکل قایق در می‌آمد و تابستان ها با آن به دریا میرفتند برای تفریح و ماهی گیری تقریباً از هر ۵ الی ۶ خانه یکی داشت. یکی از بچه ها دستش را به علامت اجازه بالا برد و گفت ما داریم. معلم هم گفت خباز و آن صاحب قایق و یک نفر دیگر بروند و آن را بیاورید.

به من گفت دوتا راکت پینگ پنگ همراه خودت ببر، قایق که آوردید همان درب حیاط مدرسه که حوضچه تور والیبال است بیانداز و در همان محدوده قایق سواری کن تا من عکس بگیرم و برای روزنامه کیهان بفرستم که این وضع بهترین مدرسه بوشهر در زمستان است و دانش آموزان که سه ماه از ورزش کردن بعلت آبگرفتگی محرومند، و توی مجله کیهان بچه‌ها چاپ شود. البته متذکر شد که مدیر مدرسه نباید اطلاع پیدا کند و با آمدن شما در مدرسه و قایق سواری شما من زنگ استراحت می زنم و عکس می گیرم.

ما هم بی خیال از عاقبت کار بدنبال قایق رفتیم. نیم ساعتی طول کشید تا قایق را به مدرسه آوردیم، من سوار قایق شدم و با دو راکت پینگ پنگ پارو زدم تا وسط آب رسیدم که زنگ تفریح زده شد، حدود ۱۰ دقیقه زود تر از معمول.

همه تعجب کرده بودند که چرا زنگ تفریح زودتر زده شده، بچه ها به حیاط مدرسه آمدند، و با دیدن من در حال قایقرانی شادی می کردند. مدیر مدرسه هم با چوب آمد و من را می‌ترساند. من هم با حرکت دادن راکت این ور و اونور می رفتم. معلم هم مشغول گرفتن عکس بود. خلاصه ۱۰دقیقه ای طول کشید تا مدیر زنگ کلاس را زد و بچه ها به زور چوب و تهدید به کلاس رفتند. من ماندم وسط آب و مدیر که با چوب دور حوضچه دور می‌خورد. ترس ورم داشته بود. همه بچه ها و معلمان در کلاس بودند و من مانده بودم وسط آب و مدیر که با چوب دور من می گشت تا می خواستم به کناری بیام او هم می‌آمد و دوباره دور می شدم. عصبانی شده بود بالاخره با زبان خوشی بهم گفت کارت ندارم بیا بالا و رفت توی دفتر. من هم حرفش گوش کردم آمدم بیرون و رفتم بطرف کلاس که نزدیک دفتر بود ، همان موقع سر رسید و تو راه رو گیرم آورد هر چه التماس کردیم بدرد نخورد خلاصه چهار تا چوب کف دست ما زد و گفت بعدازظهر پدرت باید بیاید مدرسه تا تکلیف تو روشن کنم.

اون زمان در بوشهر همه با هم آشنا بودند، آقای مدیر هم پدر من را می‌شناخت بعدازظهرها تقریباً همه در دروازه همدیگر می دیدند . همان روز با پدرم به مدرسه رفتم و با هزار خواهش پدر، مدیر ما را بخشید.

این خاطره دوران نوجوانی بود حدود ۵۸ سال از آن دوران می‌گذرد هنوز دوستان همکلاسی آن دوران وقتی همدیگر میبینیم یادی از گذشته می کنیم.



دانش آموزان کلاس ششم ابتدایی دبستان ملی سعادت سال ۱۳۴۳

سبز شدن مین (مو) تو تخته

حسین شادکامی



ما ساحل نشینان به خصوص بندری ها از قدیم ایام به واسطه سفرهای دریایی به اقساط نقاط کشورهای دور دست و نزدیک و همچنین بالعکس رفت و آمدها به سایر بنادر و ارتباط با همدیگر، همیشه از نوآوری ها و آمیخته های همدیگر از سایر نقاط دور از ساحل جلوتر بودیم. در اوایل دهه چهل برای روفت و روب خونه ها ازجارویی که از ساق و برگ درختان ساخته می شد، استفاده می کردند و هر منطقه اسم خاصی به پیشوند آن اضافه می کردند (جارو رشتی) که از ساق برنج می ساختند. در بوشهر نیز ما دو نوع جارو داشتیم، جارو پنگی (رساله های خرما) و جارو پیشی (از برگ نخل)، اولی جاروی چند منظوره بود، هم در حیاط و کوچه ها که زنان و دختران اول صبح فستیوال پاک و پاکیزه بودن را به رخ هم می کشیدند وگاهی اینکارها را به خوبی انجام می دادند که چنان گرد و خاکی بلند می کرد، انگار تازه گله حیوونی رد شده یا ماشین خهکی کمپرس کرده و دیگر برای از بین بردن جک جنورهای خونگی (کلبوک، بتول، مشک، گنز تا مار و عقرب) وگاهی هم ما بچه ها که دودوک یا فضولی می کردیم باش کتک می خوردیم. دومین نوع جارو بیشتر در اطاق ها و طارمه ها و سر پله ها استفاده می شد و بیشتر ریخت و پاش های بزرگ جمع می کرد.

بوام ای سفر از بحرین سی دیم (مادر) چند تا بروش آورده بید که رنگش قرمز با تارهای مویی لطیفی و بلند کاملا کف و دسته اش یکپارچه چوبی بود. اول کاری، دیم خیال کرد که شونه سر است و بالا که برد بوام ریش خنده کرد. گفت: زنک این بروش مثل جارو است نه شونه سر و فقط ری قالی و زیلو ها وحصیر نرمه ها (ساخته شده از ساقه نازک بامبو که بعدا پلاستیکی شد) می کشی؟ دیگه خاک تو بوتت (گلو) نمی ره.

مدت ها دیم خیلی راضی بید از بروشی که بوام آورده بید و مرتب و فورا و بعد از صبحانه و ناهار و شوم سفره (مجمع، یا طبق) که برداشته می شد بروش می کشید. تا یه روزی که دی معلی از ولات سی دار و درمون اومده بید بندر پیش دکتر طبیب و تو خونه ما مهمان بود. او زنی ساده دل و اهل ولات بید که متوجه بروش می شود و سی دیم میگه این چنن. دیم بورش را به طرفش دراز می کند و می گوید بوای بچه ها، ای سفر از بحرین آورده.

دی معلی بروش را دست می گیرد و ورندازش می کند و دستی روی موهای نرم و لطیف بروش می کشد و با دسته چوبی به دستش می زند و چند بار بروش با دستش روی فرش می کشد دوباره با نگاه به بروش سی دیم میگه، قدرت خدا مین تو تخته سوزاویده (سبز شده) که دیم یک مرتبه یاد اوایل خودش به بروش افتاد و سی دی معلی میگه ای بروش همه چیز های کولیل (کوچک) هم جمع می کند و نشستنی هم باش راحتم دیگه کمر درد نمی یاره، و بهتر از جارو پیشی است. بعد میره طرف گنجه و یکی از بروش ها را به دی معلی سوغات می دهد تا دی معلی هم از نو آوری بهره مند شود.

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

توزیع بنزین بی کیفیت در بوشهر

اسماعیل بهبهانی



این روزها در بوشهر دارندگان خودروهای بنزینی با مشکلات عدیده ای دست به گریبانند. به نحوی که به هر تعمیرگاهی مراجعه کنیم تعداد زیادی اتومبیل را خواهیم دید که برای تعمیر موتور و دیگر ملحقات مرتبط با سیستم سوخت خودرو متوقف و صاحبان آنها در حال دوندگی هستند.

کارشناسان معتقدند این همه خرابی نتیجه توزیع بنزین بی کیفیت در استان بوشهر است که وقتی این بنزین وارد سیلندر می شود پس از متراکم شدن نمی تواند احتراق باکیفیتی داشته باشد و سوختن ناقص آن به موتور خودروها آسیب جدی وارد می کند.

تعمیرکاران مجرب هم خرابی انژکتور، «پمپ بنزین اتومبیل» و دیگر قطعات را ناشی از توزیع سوخت بی کیفیت توزیع شده در استان می دانند.

در خبرها آمده بود که حتی حکومت طالبان هم محموله پانصد هزار لیتری سوخت ارسال شده از ایران را به دلیل کیفیت پایین برگشت زده است.

درحالی که مدیر تامین و توزیع شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی در گفتگو با ایسنا مدعی شده که «سوخت توزیعی جایگاه های سطح کشور در چهارمرحله کنترل شده و سوختی با کیفیت در کشور توزیع می‌شود»، مشکلات و گرفتاری های مردم چیز دیگری را مشخص می کند.

جایگاه داران سوخت هم با مشکلاتی مانند:

پائین بودن کارمزدو تناسب نداشتن هزینه جایگاه داری و درآمد آن، گرانی قطعات و لوازم مصرفی مورد نیاز دست و پنجه نرم می کنند و همچنین از واسطه گری زیاد در شبکه پخش فرآورده‌های نفتی که بلای جان آنهاست شاکی هستند.

مردم بوشهر در حالی براساس وعده های مسئولان دولتی و مدیران شرکت پخش فرآورده های نفتی منتظر توزیع بنزین یورو پنج هستند که به نظر می‌رسد سوخت یورو چهار هم که در سراسر کشور در حال توزیع است در بوشهر توزیع نمی‌شود.

درباره حادثه غم انگیز مرگ مهسا امینی

احسان هوشمند

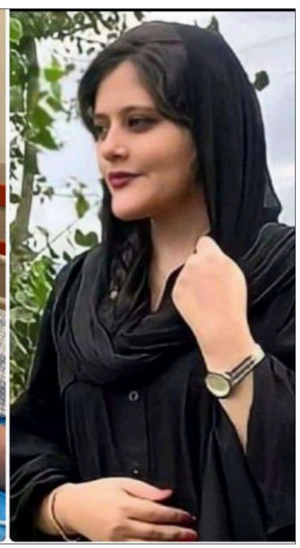
اقدام گشت ارشاد در بازداشت و پس از آن درگذشت شادروان مهسا (ژینا) امینی در بیمارستان کسری، بازتاب بسیار گسترده‌ای در محافل اجتماعی و رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی داخل و خارج از کشور داشت. بنا بر گزارش‌های در دسترس، این خانم جوان همراه خانواده سفری کوتاه به تهران داشته‌اند که در ایستگاه متروی حقانی بازداشت می‌شوند و با وجود حضور نزدیکان و دخالت آنان، مأموران حاضر به آزادکردن نام‌برده نشده و وی را به مقر پلیس ارشاد منتقل می‌کنند. پس از آن حادثه‌ای برای وی روی می‌دهد و به بیمارستان کسری منتقل می‌شود و در نهایت در بیمارستان کسری فوت می‌کند. خاندان و خانواده این مرحومه از شهروندان خوشنام و معتمد سقزی هستند که مردم‌داری، اخلاق و دیانت آنان زبانزد همشهری‌هاست.

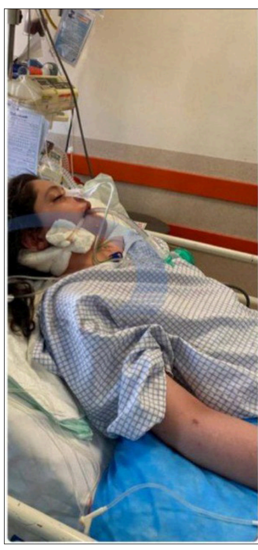
۱- پلیس در اقدامی دیرهنگام و سه روز پس از بروز رویداد، اقدام به انتشار بخش کوتاهی از فیلم‌های دوربین مداربسته کرد. آنچه در فیلم نمایان است، حضور تعداد زیادی از بانوان است که در سالن گشت ارشاد وزرا حضور دارند. مشخص نیست این تعداد بازداشتی که در سالن گشت ارشاد وزرا مستقر هستند، طی چند ساعت به این مکان آورده شده‌اند و در روز چند نوبت افراد بازداشتی برای «آموزش و ارشاد» به این مکان منتقل می‌شوند؟ آیا در مکان‌های دیگری در سطح شهر تهران هم چنین «آموزش و ارشاد»ی برای افراد بازداشتی گشت ارشاد برقرار است؟

بر این مبنا، روزانه چند نفر از بانوان به این مکان‌ها برده می‌شوند؟ در همین راستا باید پرسید آیا این نوع برخوردها و مواجهه با موضوع در ماه‌های گذشته، موجب شده تا انتقال افراد به این مکان‌ها روند کاهشی داشته باشد؟ یعنی اثرات اجتماعی مشهودی در پی داشته است؟ یعنی اقدام پلیس دراین‌باره موجب شده تا روند موضوع در سطح ملی کاهشی باشد؟

۲- آن چه در فیلم مشهود است، این است که پوشش مرحومه خانم امینی پوششی معمول است؛ مانتوی بلند و پوشش سر متعارف که امروزه در میان بسیاری از زنان در سطح کشور رایج است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، حتی با مقیاس‌های سلیقه‌ای موجود هم که درباره آن اما و اگر وجود دارد، مشخص نیست چرا این خانم بازداشت شده است؟

۳-- این حادثه از همان روز نخست بازتاب اجتماعی و رسانه‌ای بسیار وسیعی داشت،





اما با وجود بازتاب بسیار گسترده این موضوع، در ارائه توضیحات واکنش فوری، مناسب و کارشناسی‌شده‌ای روی نداد. صداوسیما نیز هیچ میزگرد و بررسی بی‌طرفانه‌ای از موضوع را روی آنتن نبرد و فضا را برای رسانه‌های رقیب مهیا کرد که روایت خود را عرضه کنند. در این فضا، سرمایه اجتماعی به‌شدت فرسوده شده و بر نارضایتی عمومی افزوده می‌شود.

۴- ورود طیف گسترده‌ای از چهره‌های شناخته‌شده در سطح ملی به موضوع ازجمله سیاست‌مداران، ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان و برخی روحانیون نشانه حساسیت وجدان جمعی به رویداد منتهی به فوت خانم امینی و اصل موضوع گشت ارشاد است.

آیا متولیان امر در سیاست‌گذاری صورت‌گرفته دراین‌باره، مطابق با نظر و درخواست اکثریت شهروندان یا اطلاع از افکارسنجی‌های ملی چنین سیاستی را بنیان گذاشته‌اند؟ حتی مشخص نیست نیروهای میدانی نیز چه نظر و ارزیابی‌ای درباره کاری که به نیروی انتظامی محول شده است، دارند؟ آیا اکثریت نیروی میدانی از این روند راضی است؟

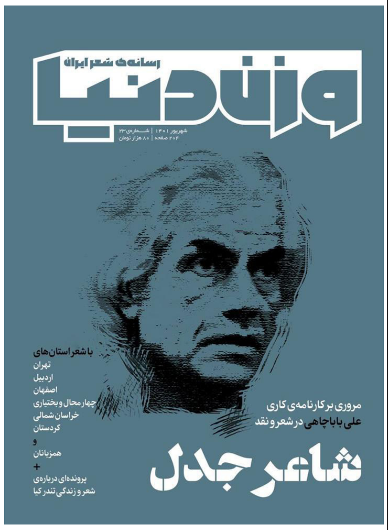
۵- از قول ستاد امر به معروف خبری رسانه‌ای شد که ۶۰ درصد زنان کشور حجاب مطابق سلیقه حاکم ندارند. اگر چنین امری درست باشد، آیا روش مواجهه با این پدیده اجتماعی که ابعادی گسترده دارد از طریق گشت انتظامی است؟ آیا پیامدها و کارکردهای گشت ارشاد مورد بررسی دقیق و کارشناسی قرار گرفته است؟

۶- درگذشت خانم ژینا امینی فشار روانی و شوک بزرگی بر بخش مهمی از جامعه ایرانی وارد کرد. استمرار چنین وضعیتی، تاب‌آوری اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در کنار مسائل جدی و بزرگی مانند وضعیت معیشت، اقتصاد و بی‌کاری جوانان و مهاجرت نیروی متخصص کشور که این روزها کشور با آن دست‌به‌گریبان است، بروز چنین رویدادهایی می‌تواند کارکردهای دیگری بیابد.

افزون بر آن که حقوق شهروندی نیز در سایه چنین رویکردی با چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود. تجدیدنظر در سیاست‌های پرهزینه بخشی از نیازهای حکمرانی است. اصرار بر سیاستی مسئله‌ساز چه کارکردی جز تشدید شکاف‌های موجود در پی دارد؟

منبع: روزنامه شرق

وزن دنیا با باباچاهی آمد



شماره بیست و سوم مجله‌ی «وزن دنیا» با مروری بر کارنامه‌ی کاری علی باباچاهی در شعر و نقد، منتشر شد.

در این شماره، می‌توانیم از شاعران استان‌های تهران، کردستان، اصفهان، اردبیل، خراسان شمالی، چهارمحال و بختیاری و شاعران همزبان شعر بخوانیم.

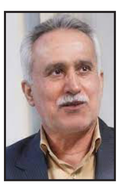
شماره‌ی بیست و سوم «وزن دنیا»، در ۲۰۴ صفحه و به قیمت ۸۰ هزار تومان در کتاب‌فروشی‌ها و کیوسک‌های مطبوعاتی معتبر در دسترس مخاطبان شعر است و علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی از مراکز خرید مجله به آدرس اینستاگرام و تلگرام مجله با عنوان@vaznedonya مراجعه و یا از سایت مجله www.vaznedonya.ir کسب آگاهی کنند.

لینک خرید مستقیم شماره ۲۳ از سایت:

https://idpay.ir/vaznedonya/shop/۵۷۷۹۴۷

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول وزن‌دنیا پوریا سوری و سردبیر علی مسعودی‌نیا است.

میدان جنگ روسیه و اوکراین



امان الله شجاعی: حدود دویست و چند روز است که ما بین دو کشور روسیه و اوکراین جنگ شدیدی در جریان است. جنگ روسیه و اوکراین، جنگ دو کشور معمولی نیست، بلکه جنگ یک ابرقدرت تا دندان مسلح و دارای زرادخانه اتمی و همتای آمریکا، با یک کشور به مراتب کوچکتر و هژمونی به مراتب کمتر است. این جنگ اگر به پیروزی ظاهری روسیه هم تمام شود، هیچ تعجبی ندارد. ولی اگر وضعیت کنونی در میدان نبرد ادامه یافته و سربازان روسیه صحنه جنگ را ترک نمایند و یا زمین گیرشوند، یک کاری بسیار خارق العاده و بی نظیری خواهد بود که هم هژمونی روسیه را نابود و هم بر نام ابرقدرتی اش برای همیشه خط قرمز خواهد کشید. در این جاست که خطر رفتارهای خشن و ویرانگر از جانب روسیه، اصلا بعید نیست.

به نظر نگارنده، احتمال دارد که روسیه بخواهد میدان جنگ را از اوکراین به مرزهای آذربایجان و ارمنستان منتقل نماید تا از نزدیک با دوستان غربی اش دست به گریبان شود و به جای استفاده از بمب هسته ای، به هسته قدرت غرب نزدیک و به صورت متعارف جنگ را ادامه و ترکیه و اسرائیل را هم در آن درگیر نماید تا غربی ها عقب نشینی کنند و اوکراین را رها نمایند و یا به تلافی دردسرهای اوکراین، آذربایجان را نابود کند.